



عادل جلیلی، رئیس مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران  
پست الکترونیک: Jalili@rifr-ac.ir



مصطفی جعفری، سر مؤلف ارزیابی جهانی تغییر اقلیم (IPCC)، برنده مشترک جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۰۷ میلادی، عضو هیئت علمی و مشاور تغییر اقلیم، مجری تدوین استراتژیک برنامه کلان تحقیقات تغییر اقلیم

پست الکترونیک: mostafafajari@rifr-ac.ir

## توسعه گردشگری کلید حل معضل بیکاری

در سال ۲۰۱۶ میلادی حدود ۱/۲۳ میلیارد نفر گردشگر از کشورهای مختلف دنیا بازدید کردند و کشورهای فرانسه، آمریکا، اسپانیا، چین، ایتالیا، انگلستان، آلمان، مکزیک، تایلند و ترکیه به عنوان ۱۰ کشور اول حدود ۴۲ درصد گردشگران را به خود اختصاص دادند. ترکیه در رده دهم دنیا حدود ۷/۵ برابر ایران گردشگر خارجی پذیرفته بود. جالب اینکه ایران در سطح جهانی در رده پنجاهم و در خاورمیانه در مقام پنجم پس از ترکیه، عربستان سعودی، امارات و مصر قرار دارد که به هیچ وجه برارنده این کشور مهم نیست. در بین ۱۰۰ شهر برتر گردشگرپذیر دنیا نیز هیچ شهری از ایران وجود ندارد، در حالی که از منطقه خاورمیانه از ترکیه چهار شهر، از مصر، عربستان و امارات هم هر کدام دو شهر و پایتخت‌های کشورهای اردن، مراکش، تونس، قطر و بحرین در بین این ۱۰۰ شهر قرار دارند. گزارش رسمی اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۵ سهم صنعت گردشگری در ایجاد شغل در این اتحادیه حدود ۱۲ میلیون نفر بوده که عمده این فرصت‌های شغلی به ترتیب در بخش‌های خدماتی رستوران‌ها و کافه‌ها، هتل‌ها و مهمان‌پذیرها، حمل و نقل و آژانس‌های مسافرتی ایجاد شده است. ظرفیت این بخش خدماتی در پذیرش نیروی کار کمتر تخصصی شامل زنان و جوانان بیش از سایر بخش‌های اقتصادی است. در سطح جهانی نیز صنعت گردشگری حدود ۱۲ درصد تولید ناخالص کشورهای ۹ درصد اشتغال‌زایی را به خود اختصاص می‌دهد. حتی سهم گردشگری در تولید ناخالص برخی کشورها تا ۳۰ درصد نیز می‌رسد. حال پرسش اساسی این است که چرا در کشور بزرگی مانند ایران که معضل بیکاری به عنوان مهمترین معضل اقتصادی-اجتماعی آن محسوب می‌شود، ظرفیت بخش گردشگری در ایجاد اشتغال در نظر گرفته نمی‌شود؟

در این ستون با عنوان «توسعه پایدار» تأکید جدی بر این است که فقر، بیکاری و نبود رشد اقتصادی پاشنه آشیل پایداری محیط‌های طبیعی کشور محسوب شده و اعتقاد بر این است که فقر و بیکاری جامعه‌های روستایی، شهرهای کوچک و حاشیه‌نشین‌های کلان‌شهرها، مادر عوامل تخریب عرصه‌های طبیعی کشور هستند. بنابراین، ظرفیت ملی در گردشگری باید در این راستا به خدمت گرفته شود. زمینه‌سازی برای فعال کردن این ظرفیت ملی در گروه‌های ملی در سیاست‌های خارجی و داخلی در کلیه امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی است. اگر ظرفیت‌های طبیعی، تاریخی، فرهنگی و ژئوپلیتیک ایران با ظرفیت‌های ۱۰ کشور برتر دنیا در زمینه گردشگری مقایسه شود، به راحتی با آنکا به این شاخص‌ها می‌توان دریافت که ظرفیت ایران به مراتب بیشتر از کشورهای نام برده است. بنابراین، باید جایگاه فعلی ایران در امر گردشگری در سطح جهانی برای مسئولان و نخبگان کشور به طور جدی مورد پرسش قرار گیرد و عزم ملی بر به‌کارگیری این ظرفیت متمرکز شود.

## موافقت‌نامه پاریس و تصمیم آمریکا

در سال ۲۰۱۵، شهر پاریس فرانسه میزبان گردهمایی سران کشورهای نمایندگان آنها برای تعیین تکلیف مسئله تغییر اقلیم بود تا با خرد جمعی تصمیمی مناسب برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، سازگاری با تغییرات اقلیمی واقع شده و مواجهه با مقابله با اثرات سوء آن در سطح جهانی اتخاذ کنند. بیست و یکمین نشست اعضای متعهد کنوانسیون تغییر اقلیم (COP21) در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ با حضور نمایندگان ۱۹۶ کشور عضو و همچنین سازمان‌های بین‌المللی و مردم‌نهاد تشکیل شد. در پایان، متن تفاهم دوطرفه‌ای (Paris Accord) در ۲۹ ماده تهیه شد که به نام «موافقت‌نامه پاریس» (Paris Climate Agreement) شناخته می‌شود. در یکی از مواد این موافقت‌نامه اشاره شده که به منظور پرهیز از وقوع فاجعه با منشأ تغییر اقلیم، ضروری است با کنترل انتشار، سطح افزایش دما در زیر ۲ درجه در مقایسه با دوران قبل از صنعتی شدن حفظ شود و تلاش شود تا این افزایش دما بیش از ۱/۵ درجه سانتی‌گراد نباشد. میزان موفقیت و دستیابی به اهداف آن در بیست و دومین نشست اعضای متعهد کنوانسیون تغییر اقلیم (COP22) که در نوامبر ۲۰۱۶ در مراکش برگزار شد، مورد بررسی قرار گرفت. برای دستیابی به اهداف این موافقت‌نامه همه کشورهای باید تمام گزینه‌های ممکن را مورد توجه قرار دهند تا انتشار گازهای گلخانه‌ای را در حد قابل قبول کنترل کنند. در جریان بررسی این موافقت‌نامه، نماینده دولت آمریکا نیز پس از بحث‌ها و مذاکرات فراوان با این تصمیم همراهی و موافقت کرد. از آنجا که ایالات متحده آمریکا سهم زیادی در تولید گازهای گلخانه‌ای دارد، این موضوع باعث خوشحالی شرکت‌کنندگان و امید به موفقیت بیشتر در دستیابی به اهداف موافقت‌نامه شد. در این متن ذکر شد که با پذیرش حداقل ۵۵ کشور که ۵۵ درصد سهم انتشار گازهای گلخانه‌ای را داشته باشند، موافقت‌نامه اجرایی خواهد شد. این موافقت‌نامه از ۲۲ آوریل ۲۰۱۶ (دوم اردیبهشت ۱۳۹۵) تا ۲۱ آوریل ۲۰۱۷ (دوم اردیبهشت ۱۳۹۶) در مقر مرکزی سازمان ملل متحد برای امضا قرار داده شد. تا آگوست ۲۰۱۷، ۱۹۵ کشور این موافقت‌نامه را امضا کرده و ۱۶۰ عضو، پذیرش قطعی (ratified) خود را اعلام کردند. پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهوری جدید این کشور، وی بر اساس وعده‌های انتخاباتی خود، تصمیم به خروج از «موافقت‌نامه پاریس» گرفت. این تصمیم در دوم ژوئن ۲۰۱۷ (۱۲ خرداد ۱۳۹۶) با توجیه حفظ منافع مردم آمریکا اعلام شد. البته اثرگذاری این تصمیم در نوامبر ۲۰۲۰ خواهد بود. اما نکته قابل توجه این است که این اقدام منافع عامه مردم آمریکا را تأمین نمی‌کند، بلکه صاحبان صنایع به‌ظاهر بیشترین بهره‌مندی کوتاه‌مدت را از آن خواهند داشت. منافع ملی آمریکا در کنار سایر کشورهای از این تصمیم متضرر خواهد شد و در آینده نیز امکان جبران فراهم نخواهد بود. این تصمیم بویولستی که به‌ظاهر در راستای منافع مردم و دراصل دارای اهداف خاصی بود، به شدت مورد انتقاد جامعه اروپا و بسیاری از بخش‌های داخلی آمریکا قرار گرفت. یل سیمپسن (Paul Simpson) دانشمند انگلیسی با گرایش خدمات محیط زیستی و مدیر (CEO) سازمان بین‌المللی غیرانتفاعی سی‌دی‌پی (CDP) در اول ژوئن ۲۰۱۷ (۱۱ خرداد ماه ۱۳۹۶) در مصاحبه با بی‌بی‌سی (BBC) گفت که تصمیم خروج آمریکا از «موافقت‌نامه پاریس» تأسّف‌بار است اما با حضور یا در غیاب آنها جامعه جهانی کوشش خود را برای جلوگیری از اثرات خطرناک تغییر اقلیم ادامه خواهد داد. هر کشوری که نخواهد تصمیمات «موافقت‌نامه پاریس» را پیگیری کند در درجه اول برای مشاغل، سرمایه‌گذاری و شهروندان خود و در مرحله بعد برای جامعه جهانی، ریسک ایجاد خواهد کرد. اکنون چین، اروپا و سایر انتشاردهندگان اصلی گازهای گلخانه‌ای در حال توجه به اقتصاد کم‌کربن هستند. در این شرایط حساس، مدیران و سیاستمداران کشور باید بر پایداری خود بر «موافقت‌نامه پاریس» تأکید کرده و نه تنها در راستای تصمیم آمریکا اتخاذ تصمیم نکنند بلکه با جدیت بر ناپایداری تصمیم سیاستمداران آمریکا در تداوم تصمیمات جهانی یافشاری کنند.



فاطمه سفیدکن، معاون پژوهشی مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی  
پست الکترونیک: sefidkon@rifr-ac.ir

## چرا توسعه کشت گیاهان دارویی در کشور سرعت لازم را ندارد؟

دارویی و اسانس‌دار به ۵۰۰ هزار هکتار در افق ۱۴۰۴ است که اگر با روند فعلی پیش رویم رسیدن به این هدف ۱۰۰ سال طول خواهد کشید!

حال سؤال اساسی این است که چرا سرعت توسعه کشت گیاهان دارویی در کشور با سرعت مورد انتظار برنامه‌ریزان پیش نمی‌رود؟ در پاسخ این سؤال شاید بتوان فهرستی از مشکلات مثل کمبود بذر و نهال استاندارد، کمبود دانش فنی کشت و تولید گیاهان دارویی، ریسک‌پذیر نبودن کشاورزان برای تولید محصولات جدید، محدود بودن نیاز صنایع داخلی به مواد اولیه یا نبود ماشین‌آلات کشاورزی مناسب و غیره را برشمرد؛ اما واقعیت این است که برای افزایش سطح زیر کشت ابتدا باید به صورت دقیق مشخص شود به‌منظور صادرات گیاه، اسانس، عصاره و فراورده‌های نهایی (end product) چه گیاهانی باید کشت شوند؟ طبیعتاً اولویت اصلی علاوه‌بر در نظر گرفتن سازگاری با شرایط اقلیمی ایران، داشتن عملکرد تولید و ماده مؤثره مناسب، باید تأمین نیاز بازارهای خارجی باشد که ظرفیتی به‌مراتب وسیع‌تر از داخل کشور دارند. به‌عبارت دیگر می‌توان گفت بازارهای داخلی برای مصرف گیاهان دارویی به‌صورت سنتی یا عرقیات گیاهی و داروها و فراورده‌هایی که اکنون در بازار وجود دارند، اشباع بوده یا در بهترین حالت با همین افزایش چند هزار هکتاری سطح زیر کشت سالانه، نیازشان برطرف می‌شود. اگر قرار است سطح زیر کشت افزایش قابل توجهی یابد، باید بازارهای خارجی را هدف قرار داد.

بنابراین اولویت بسیار اساسی تعیین دو تا پنج گیاه دارویی مهم (استراتژیک) برای توسعه کشت، فراوری و صادرات است. تا این اتفاق نیفتد سایر تلاش‌ها برای افزایش سطح زیر کشت بیهوده خواهد بود. بدیهی است با توجه به اینکه هر چه فراوری بیشتری روی گیاهان صورت گیرد ارزش افزوده بالاتر می‌رود باید به موازات افزایش سطح زیر کشت با گیاهان اولویت‌دار تعیین شده، صنایع فراوری آنها نیز ایجاد شود یا توسعه یابد. در مقالات آتی سعی خواهم کرد در حد وسع اطلاعاتی خود پنج گیاه اولویت‌دار مهم را برای توسعه سطح زیر کشت معرفی کنم. گرچه معتقدم باید جمعی از صاحب‌نظران با در نظر گرفتن همه جوانب، این امر را به عهده بگیرند.

توسعه روزافزون تولید محصولات و فراورده‌های طبیعی منجر به افزایش نیاز به کشت و تولید مواد اولیه گیاهی در دنیا شده است. گرچه هنوز بخش عمده‌ای از گیاهان دارویی مورد استفاده در صنایع مختلف از رویشگاه‌ها برداشت می‌شود، اما برای تأمین نیاز روزافزون صنایع دارویی و غذایی که خواهان گیاهان دارویی با استانداردهای کیفی مناسب هستند و همچنین به‌منظور جلوگیری از روند تخریبی رویشگاه‌های طبیعی، توسعه کشت گیاهان دارویی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. با توجه به اینکه بسیاری از کشورهای تولیدکننده دارو و فراورده‌های طبیعی به‌دلایل مختلف (مثل محدودیت زمین یا شرایط اقلیمی) امکان کشت این گیاهان را ندارند، توسعه کشت در کشوری مثل ایران توجیه بیشتری پیدا می‌کند.

نگاهی به آمار جهانی سطح زیر کشت گیاهان دارویی، نشان از روند افزایشی دارد. برای مثال سطح زیر کشت گیاهان دارویی در چین از ۱۵۳ هزار هکتار در سال ۱۹۹۰ به ۸۲۷ هزار هکتار در سال ۲۰۰۱ و حدود ۳ میلیون هکتار در سال ۲۰۱۷ رسیده است. سطح زیر کشت گیاهان دارویی در آمریکا نیز از ۲۰۰ هزار هکتار در سال ۱۹۹۰ به ۶۲۲ هزار هکتار در سال ۲۰۰۱ رسیده و در کانادا از ۴۰ هزار هکتار به ۳۴۷ هزار هکتار در خلال همین سال‌ها افزایش یافته است.

بنا بر اظهارات مهندس طهماسبی، معاون امور باغبانی وزارت جهاد کشاورزی، هم‌اکنون بالغ بر ۱۵۰ هزار هکتار از اراضی کشور زیر کشت گیاهان دارویی، زعفران و گل محمدی قرار دارد که در برنامه اقتصاد مقاومتی این میزان باید به ۲۸۴ هزار هکتار افزایش یابد.

نگاهی به آمار سال‌های گذشته نشان می‌دهد که مجموع سطح زیر کشت گیاهان دارویی (با احتساب گل محمدی و زعفران) از حدود ۱۰۷ هزار هکتار در سال ۱۳۸۴ به حدود ۱۴۲ هزار هکتار در سال ۹۳ افزایش یافته و بنا به اظهارات معاون وزیر در سال ۹۶ به ۱۵۰ هزار هکتار رسیده است. یعنی به‌طور میانگین از سال ۱۳۸۴ تاکنون با وجود همه تلاش‌ها برای افزایش سطح زیر کشت گیاهان دارویی، سالانه حدود ۳ هزار و ۵۰۰ هکتار افزایش یافته است. یکی از اهداف سند ملی گیاهان دارویی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۲، افزایش سطح زیر کشت گیاهان